

سخنران : مریم شریفیان ثانی

موضوع سخنرانی : حمایت‌های قانونی از اشتغال معلولین

قبل از آغاز بحث اصلی اجازه می‌خواهم اشاره ای به اجرای طرح پژوهشی " بررسی موانع موجود در کارایی و اشتغال معلولین " داشته باشم که در این سمینار چندین با توسط سخنرانان محترم از آن نام برده شد. این طرح با همکاری اساتید محترم عضو گروه تحقیق ، کارشناسان متخصص امور توانبخشی و سایر همکاران گروه تحقیق در معاونت پژوهشی دفتر آموزش و پژوهش سازمان بهزیستی کشور به انجام رسیده است و گزارش نهائی آن بزودی منتشر خواهد شد. به دلیل اینکه در همین سمینار نیز بخشی از مطالعات انجام شده در این طرح یعنی بررسی مربوط به ارزشیابی فیزیکی باقیمانده توانائیهای جسمی معلولین و متناسب سازی مشاغل از دیدگاه ارگونومی مطرح شد، به اطلاع میرساند که در این طرح پژوهشی علاوه بر بخش مذکور سعی شده نظرات تمامی گروه‌های که در فرایند توانبخشی حرفه ای و اشتغال معلولین نقشی دارند مورد بررسی قرار گیرد. از جمله کارشناسان ارزشیاب ، مربیان کارگاههای ^کآموزش فنی و حرفه ای معلولین و مدیران این مراکز، کارشناسان کارشناسان، کارفرمایانی که معلولین را استخدام کرده اند و نهایتاً " معلولین شاغل " .

امید است بزودی در جلسه گردهمایی ویژه ای با حضور محققان، کارشناسان و دست اندرکاران مسائل اشتغال و توانبخشی حرفه ای معلولین کشور، نتایج این پژوهش مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد.

و اما بحثی که برای این قسمت از سمینار توسعه اشتغال معلولین در نظر گرفته شده، حمایت‌های قانونی از اشتغال معلولین است.

سخن را با طرح پرسشی آغاز میکنیم و آن اینکه:

چرا معلولین به حمایت‌های قانونی نیازمندند؟

به راستی معلولین چه گروهی هستند و حمایت‌های قانونی از آنان چه ضرورتی دارد؟

چراکه در بسیاری موارد زمانیکه مسئله حمایت‌های قانونی از معلولین به طور اعم و نسبت به اشتغال آنان به طور اخص مطرح میشود، از سوی گروهی که از دور به مسئله مینگردند و شناختی نسبت به معلولین ندارند چنین اظهار میشود: " مگر در قوانین مختلف کشور منع قانونی برای معلولین وجود دارد؟ "

مگر معلولین چه ویژگی‌هایی دارند؟ مگر آنها جزئی از نفوس هر جامعه ای به حساب نمی‌آیند؟ مگر نه اینکه در قوانین اساسی بسیاری از کشورهای " جهان همه افراد ملت در حمایت قانون قرار دارند و از حقوق مساوی برخوردارند " وارد بحث واژه شناسی آسیب، ناتوانی، معلولیت و معلول نمی‌شویم که

زمینه ای است گسترده و جای بحث بسیار دارد. فقط از آن جهت که در بیشتر موارد، آسیب و عارضه ای که فرد به علل گوناگون به آن مبتلا میشود و به معلولیت می انجامد و خود هیچگونه دخالتی در ایجاد شرایط معلولیت خود نداشته، ترجیح بر این است که این گروه را افراد مبتلا و دچار ناتوانی و معلولیت بنامیم. اما برای رعایت یکنواختی در بخشها، همان واژه معلول را بکار میگیریم. امید است که در آینده، واژه مناسبی برای نامیدن این گروه از افراد جامعه انتخاب شود. چرا که مادر بحث توانبخشی حرفه ای، به توانائیهای این افراد می اندیشیم و نه ضعف و ناتوانی و بیماری که ریشه کلمه معلول است.

در طی سالهای اخیر، در تمامی جوامع ملی و بینالمللی معلولین، شعار مشارکت کامل و تساوی و برابری فرصتها را می شنویم و اعلام میکنیم. ولی فاصله سخن تا عمل را چه باید کرد؟

آنان که دست اندرکار مسائل معلولین هستند بخصوص در کشورهای جهان سوم، از بستر دره عمیق وضع موجود، این فاصله ژرف تا ستیغ قلعه مشارکت و برابری کامل را نظاره میکنند. آنان که در ارقام آمار جان میدمند و هر عددی از شمار معلولین را کودکی، نوجوانی، جوانی، میانسال و سالمندی یا تمامی نیازهای طبیعی و برحق انسانی و آرزوهای و امیدهای دور و دراز چشم به راه تحقق مفهوم مشارکت کامل و برابری فرصتها

میبینند • این فاصله را به خوبی می‌شناسند • بیش از همه خود معلولین و خانواده‌هایی که عضوی از آنان در شرایط معلولیت قرار دارد • شما و موانع و سدهایی را که در راه کسب استقلال فردی و اجتماعی و مشارکت و برابری با افراد غیر معلول در جامعه برای آنان وجود دارد به عینسه تجربه کرده‌اند • شاید کمتر متنی را در مورد توانبخشی بیابیم که تعریفی از معلول و معلولیت را مطرح نکرده باشد • اما میدانیم که این تعاریف با توجه به اهداف مختلف محتوای کاملاً " مشابهی ندارند و میتوان آنها را گاه تا چندین گروه دسته بندی نمود •

چنانکه یکی از صاحب نظران توانبخشی به نام کراکسن معتقد است که این تعاریف را به پنج طریق میتوان گروه بندی نمود:

الف - تعاریفی که محتوای اجتماعی گسترده ای را مورد اشاره قرار میدهند،
ب - تعاریفی که توسط مؤسسات بین المللی تنظیم میشود و غالباً " درچار چوب های پزشکی به کار نمیروند •

پ - تعاریفی که برای تسهیل کارهای اجرایی تنظیم میشوند تا بتوان
ی
تعمیم گیری نمود که چه افرادی مشمول ضوابط دریافت خدمات و کمپها
مادی خاص معلولین میشوند •

ت - تعاریفی که خود معلولین در حرکت‌های اجتماعی مورد استفاده قرار
میدهند •

ث - تعاریفی که افراد برای بیان تجارب خود در مورد معلولین ، آنرا به یکدیگر میبرند . با دقتی در محتوا و ترکیب این تعاریف ، با هر عبارتی که بیان شده باشندیک وجه مشترك همگانی را میتوان یافت . شاید خود شما نیز این وجه مشترك را به خوبی بشناسید . بله ، محدودیتی کسه افراد ناتوان و دچار معلولیت با آن روبرو هستند . چنین دریافتهای بار دیگر تأملی را میطلبد .

چگونه میتوان ترازویی با هدف مشارکت کامل و برابری و تساوی فرصتها در کفه ای و محدودیتها در کفه ای دیگر را به موازنه رساند .

بدیهی است که هدف این موازنه در جهت کفه مشارکت و برابری کامل است . بنابراین بنظر میرسد که این اختلاف سطح را باید با افزودن اقدامات جبرانی در کفه محدودیتها برطرف نمود .

کودک معلولی که به سن آموزش پیش دبستانی یا دبستانی میرسد بدون پیش بینی های لازم برای فراهم ساختن امکانات آموزش مناسب وی این مشارکت برابری کامل را چگونه تجربه خواهد نمود؟ در بحث از آمار معلولین نیز این تفاوت در مقایسه پوشش آموزشی معلولین و سایر افراد جامعه و نرخ باسوادی این دو گروه به خوبی تأیید میشد .

جوانی که در سن کار و فعالیت ، به هر علتی از نظر جسمی یا ذهنی با محدودیتی مواجه میشود ، بدون وجود مکانیسم های کار آمد برای

اشتغال و آموزش حرفه ای ، بکار گماری و تضمین استمرار روی در شغلی مناسب و حمایت های قانونی از او ، آیا هدف مشارکت کامل و برابری فرصتها را باور خواهد داشت . آنگاه که تنها مانع روی برای اشتغال معلولیت وی است ؟

اولین گام در این راه باور داشتن حقانیت افراد ناتوان و معلول در مشارکت و برابری با سایر افراد جامعه و آنگاه به رسمیت شناختن این حقوق است .

نقش قانون در پیوند و یکپارچگی معلولین با سایر افراد جامعه چیست ؟ قوانین معمولاً " در پاسخ به ضرورت های نظم و کنترل و برقراری عدالت در جلوه های مختلف زندگی اجتماعی شکل میگیرند . طرح مسئله حمایت های قانونی از معلولین در کل و به خصوص در مقوله اشتغال نیز میتواند انعکاسی از ضرورت این حمایتها باشد .

ابتدا به تاریخچه ای از اقدامات انجام شده در سطح جهانی اشاره میکنیم . اولین قانون توانبخشی حرفه ای در سال ۱۹۱۹ در آمریکا به تصویب رسید . در سال ۱۹۶۵ ایالات متحده آمریکا مطالعه ای را در مورد جنبه های قانونی در توانبخشی معلولین در چند کشور منتخب انجام داد .

اولین کنفرانس بین المللی مربوط به مسائل قانونی معلولین در سال ۱۹۷۱ در رم برگزار شد و پیام آن چنین بود که قوانین اساسی میبایست به نحوی -

تدوین شوند که موجب درك و شناخت اصول توانبخشی باشند، آنچه که امروزه به برابری فرصتها تعبیر میشود و این امر را وظیفه دولت‌ها دانسته اند که شاهد و ناظر سازمانهای معلولین باشند تا قوانین را آماده و اجرا کنند.

دومین کنفرانس بین المللی مربوط به قوانین معلولین در سال ۱۹۷۸ در — مانیل برگزار شد که ضمن تصریح یافته های اولین کنفرانس، توصیه نمود که قوانین مربوط به افراد معلول میبایست در يك مجمع هماهنگ ملی که از نمایندگان سازمانهای ذیربط، مؤسسات داوطلب و سازمانهای معلولین تشکیل شده تدوین شود. در این کنفرانس تأکید شد که مسوارد زیر در دستور کار و وظائف چنین مجمعی قرار گیرد:

تعیین نیازها، تدوین برنامه های جامع، مشاوره و توصیه به دولت در تمام جنبه های مربوط به معلولین و ارزشیابی ثمر بخش بودن خدماتی که ارائه میشود. کنفرانس اخیر، شناسائی پیوند معلولین با جامعه را در جایگاه افرادی مستقل و متکی به خود به عنوان هدف خدماتات توانبخشی و رفاهی معلولین توصیه میکند. البته دو سال قبل از این کنکره در سال ۱۹۷۶، سازمان ملل، سازمان بهداشت جهانی و سازمان بین المللی کار، مشترکاً "مقایسه ای را در مورد قوانین، سازمان و اداره خدمات توانبخشی معلولین در ۴۹ کشور عضو انجام دادند.

در سال ۱۹۸۰ وقتی که منشور دهه هشتاد تصویب شد نقطه نظرهای اصلی کنفرانس رم و مانیل مجدداً " تشریح شد و تأکید گردید که به مهمترین حق معلولین یعنی مشارکت در تصمیم گیری هایی که به زندگی آنها مربوط میشود و بر آن اثر میگذارد اولویت داده شود. در کرد هم آیی بین المللی متخمیمین قوانین مربوط به برابری فرصتها برای معلولین که در ژوئن ۱۹۸۶ در وین برگزار شد تمامی موارد بالا مورد تأکید قرار گرفت .

در بین نتایج بدست آمده پیشنهاد شد که اولین هدف قوانین بایستد تحقق کاملترین شکل ممکن یکپارچگی و پیوند اجتماعی ، اقتصادی معلولین در خانواده و جامعه باشد .

در دوکنکره بین المللی توانبخشی که در سالهای ۱۹۸۴ در لیسبون پرتغال و ۱۹۸۸ در توکیو . ژاپن برگزار شد ، ده مقاله منتخب در جلسات تخصصی مربوط به بحث قانون و معلولین ارائه گردید که در بررسی حاضر علاوه بر مطالعات انجام شده در متون مختلف توانبخشی . تمامی مقالات کارشناسان و صاحب نظران توانبخشی که در این دو کنکره به صورت سخنرانی ارائه شده است ، مورد مطالعه دقیق قرار گرفته است .

سخنرانیهای ایرادشده در سال ۱۹۸۴ از سوی نمایندگان توانبخشی کشورهای اطریش ، ایالات متحده آمریکا ، جمهوری فدرال آلمان و کمیسیون جوامع اروپائی و مجمع ملی معلولین ایالات متحده

و در کنکره سال ۱۹۸۸ صاحب‌نظران توانبخشی کشورهای مالزی ، آفریقا، ژاپن ، برزیل و فلیپین بحث حمایت‌های قانونی را مطرح کرده اند - ویدین ترتیب مشاهده میشود که با طرح نکات عمده این بحثها ، طیفی گسترده از نظرات کارشناسی در کشورهای مختلف جهان را در اختیار خواهیم داشت . اهمیت و نقش قانون در پیوند و یکپارچگی معلولین با سایر افراد جامعه چیست ؟

در تمامی بحثها به نقش مؤثر و تسریع‌کننده حمایت‌های قانونی در تحقق هدف پیوند و یکپارچگی معلولین با سایر افراد جامعه تأکید شده است . البته در اکثر مقالات به دو نکته دیگر نیز اشاره مستقیم یا ضمنی داشته اند .

- فاصله ای که بین نیازهای معلولین و قوانین مصوب کشورها وجود دارد و - شکافی که بین قوانین مصوب برای معلولین و آنچه که در اجرا مورد عمل قرار میگیرد دیده میشود . نکات عمده دیگری که از بررسی و تجزیه و تحلیل مقالات ارائه شده در دو کنکره بین المللی توانبخشی نسبت به نقش قانون در زندگی معلولین و پیوند و یکپارچگی آنان با سایر افراد جامعه میتوان جمع‌بندی نمود چنین است :

- در تمامی کشورها ، تمایل به افزایش پوشش توانبخشی در قوانین ملی و شناخت بیشتر نسبت به استمرار خدمات توانبخشی دیده شده

- است و متعاقب آن نیاز به تعدیل قوانین موجود و یا تنظیم قوانین جدید.
- قانون به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای تحقق برابری فرصتها برای — معلولین شناخته شده است.
- صاحب نظران توانبخشی در کشورهای مختلف جهان با تعابیر متفاوت بر این نکته باورداشته اند که پیش بینی های قانونی میتواند نقش خیلی مهمی در تغییر طرز تلقی جامعه و نگرش لازم در هر مرحله از توانبخشی افراد دچار معلولیت ایفاء کند.
- تدوین قوانین برای حمایت از معلولین میتواند گواه و دلیلی باشد که دولت در اصل از عقیده توانبخشی معلولین و پیوند و یکپارچگی آنان در جامعه حمایت میکند.
- حمایت های قانونی يك مسئولیت مشترك است و نیاز به پشتیبانی شبکه جامع و فراگیری از تمام بخشهای جامعه دارد.
- تدوین قوانین نباید بطور انتزاعی صورت گیرد بلکه توجه به سنتهای ملی، مذهبی، ارزشهای اخلاقی، مشخصات جمعیتی، شرایط محیطی، میزان تسهیلات موجود و بررسی و ارزشیابی آنها در دیدگاهی وسیع و مرتبط ضروری است.
- دولتها نه فقط میبایست قوانین را تنظیم و اعلام کنند بلکه لازم است منابع مالی را در حد کفایت برای اجرای قوانین تخصیص دهند.

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از بررسی دیگری که در سال ۱۹۸۰ توسط سازمان بین‌المللی کار انجام گرفت و طی آن ۶۸ کشور عضو به پرسشنامه‌ای که یکی از سوالات عمده آن در مورد حمایت‌های قانونی ملی از اشتغال معلولین در هرکدام از کشورهای مورد مطالعه بود پاسخ دادند. نتایج نشانگر توجه بیش از پیش کشورهای عضو به لزوم حمایت‌های قانونی از افراد معلول است. مورد دیگر رعایت حقوق معلولین در قوانین اساسی کشورها و قوانین خاص و موردی و کرایش به سمت تحت پوشش قرار دادن همه انواع معلولین در قوانین (و نه فقط قربانیان حوادث صنعتی و جنگ‌ها) و نهایتاً "فراهم نمودن حمایت‌های قانونی برای همه معلولین است" زیرا از دیدگاه توانبخشی حرفه‌ای، معلول فردی است که چشم انداز وی در تأمین و حفظ شغل و پیشرفت در اشتغال مناسب بطور اساسی کاهش یافته است. نه منشا، نه ماهیت و نه گستره موارد معلولیت، هیچکدام اهمیت بخصوصی ندارد. آنچه که از دیدگاه توانبخشی حرفه‌ای مهم است تأثیری است که معلولیت بر چشم انداز اشتغال‌پذیری معلول میگذارد.

در اینجا مروری خواهیم داشت به سابقه قوانین و اقدامات مربوط به توانبخشی در ایران:

تاریخچه توجه به توانبخشی بطور اعم و توانبخشی حرفه‌ای به طور اخص

در ایران به اوایل قرن چهاردهم باز می‌گردد.

اولین مدرسه ویژه آموزش ناشنوایان را مرحوم جبار باغچه بان در سال ۱۳۰۴ در تبریز به نام «باغچه اطفال» تأسیس کرد و در سال ۱۳۱۱ نیز نمونه ای از این نوع مدارس را در تهران برپا نمود.

در سال ۱۳۱۲ در متن قانون تعلیمات اجباری آمده است: «وزارت فرهنگ باید برای اطفالی که نقص خلقت دارند و کودکانی که هوش و استعداد آنها کم است در آینده نزدیک آموزشگاههای مخصوص تهیه نموده و آنها را طبق برنامه معین تربیت کند. و چرّف و صنایع و امور کشاورزی به آنها بیاموزد.»

در سال ۱۳۳۸ توصیه نامه اجلاس سی و هشتم دفتر بین المللی کار بتصویب قوه مقننه رسید و بطور رسمی دولت ایران توانبخشی حرفه ای را پذیرفت.

در سال ۱۳۳۹ در قانون بیمه های اجتماعی دریافت مستمری از کار افتادگسی درمورد بیمه شدگانی که در اثر حوادث ناشی از کار و یا غیر ناشی از کسار توانائی خود را از دست میدهند مطرح شد اما به طور مستقیم به توانبخشی آنان اشاره ای شده بود.

در سال ۱۳۴۲ کارگاه دست و پاسازی تأسیس شد.

در سال ۱۳۴۶ شورایی عالی رفاه اجتماعی تأسیس یافت و به عنوان یسک هماهنگ کننده فعالیتهای توانبخشی مطرح شد.

در سال ۱۳۴۷ دفتر کل امور کودکان استثنائی وزارت آموزش و پرورش بنا

وظیفه فراهم آوردن امکانات آموزش و پرورش معلولین تأسیس شد .

در سال ۱۳۵۳ حمایت از معلولین غیر قابل توانبخشی مورد توجه قرار گرفت .

در سال ۱۳۵۵ وزارت بهداری و بهزیستی تأسیس و تأمین خدمات توانبخشی را به عهده گرفت .

در سال ۱۳۵۵ ، اولین سرشماری معلولین انجام گرفت .

در سال ۱۳۵۸ بنا به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی و تصویب شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران ، استخدام نابینایان آموزشی دیده در ادارات و مؤسسات تولیدی به نسبت یک درصد پرسنل تشکیلات مصوب دستکاهادر ازای افراد بازنشسته و مستعفی در نظر گرفته شد و حدود ۱۶ دسته از مشاغل هم برای اجرای این مصوبه تعیین و در اولویت قرار گرفت .

در سال ۱۳۵۹ قانون تشکیل سازمان بهزیستی به تصویب رسید و طی سالهای بعد و علیرغم تغییرات سازمانی ، همواره مسئولیت تدارک امکانات پیشگیری ، توانبخشی حرفه ای و اجتماعی معلولین بر عهده سازمان بهزیستی کشور بوده است .

در سال ۱۳۶۴ قانون الزام دولت به استخدام ۱۰ درصد از پرسنل خود از میان جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان شهدا به تصویب رسید که در تبصره ۲ آن ۳ درصد نیز از معلولین عادی با رعایت مقررات استخدامی مربوط و با

هما هنگی سازمان بهزیستی در نظر گرفته شد.

در سال ۱۳۶۵، دومین سرشماری معلولین همراه با سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور انجام شد که این بازرگاردادن سؤال مربوط به معلولیت در صفحه اول پرسشنامه خانوار، تمامی اطلاعات مربوط به افراد غیر معلول در جامعه در مورد معلولین نیز ثبت گردید و میتوان ادعا نمود که این حرکت، خود تلاشی در راه مشارکت و برابری معلولین با سایر نفوس جامعه به شمار می آید. چرا که اطلاعات جمع آوری شده از این طریق میتواند در برنامه ریزی های مختلف برای معلولین بکار آید. ویکی دیگر از اقدامات مثبت و مفید در این راستا، تهیه نشریه موضوعی معلولان جسمی کشور است که الگوی این نشریه و جدول مورد نیاز از همکاری نزدیک کارشناسان سازمان بهزیستی کشور و مرکز آمار ایران تهیه گردید و خوشبختانه در همین سمینار نیز به آمار و ارقام جاری توجیهی از نشریه موضوعی معلولان جسمی کشور اشاره شد.

در سال ۱۳۶۷ قانون استخدام جانبازان، اسراء و افراد خانواده های شهدا جانبازان از کار افتاده، اسراء و مفقودالثر انقلاب و جنگ و افرادی که حداقل ۹ ماه متوالی یا یکسال متناوب داوطلبانه در جبهه بوده اند به تصویب رسید. در این قانون به استخدام جانبازان توجه شده است و نهایتاً در پیش نویس قانون کار در مبحث آموزش و اشتغال ماده ۱۰۹ به

مراکز آموزشی و تعلیمات حرفه ای خاص معلولین و تبصره ۱ تا ۳ ماده -
 ۱۲۰ مبحث اشتغال ، ایجاد دفتری تحت عنوان دفتر برنامه ریزی و حمایت
 از اشتغال معلولین در مراکز استانها اشاره شده است . همچنین ایجاد
 شرکتهای تعاونی و فراهم آوردن تسهیلات انجام کار و رفع موانع معماری
 در کلیه مراکز پیش بینی شده است .
 اکنون به نمونه هایی از قوانین مربوط به توانبخشی و اشتغال معلولین
 در سایر کشورها اشاره میکنیم .

در بلغارستان ، حقوق معلولین در قانون اساسی و قانون کار ۱۹۵۱ تعریف
 شده است . در کشور مجارستان يك قانون مشترك بين وزارت كار ، بهداشت
 و امور مالی (۱۹۶۹) وجود دارد که کارفرمایان را موظف میکند بـ
 توانبخشی حرفه ای کارکنان خود ، تطبیق محل کار ، آموزش مجدد و حتی
 تدارك يك واحد کار خاص برای کارکنان معلول اقدام نمایند .
 در ژاپن از ۱۹۴۷ تاکنون قوانین متعددی در حمایت از حقوق معلولین
 تصویب شده است که از جمله قانون بیمه جبرانی حوادث برای کارگران ،
 قوانین تأمین اشتغال ، رفاه معلولین ، رفاه افراد عقب مانده ذهنی
 قانون بنیادی توسط اشتغال معلولین ، قانون اشتغال و آموزش حرفه ای -
 معلولین را میتوان نام برد .
 در لهستان ، اشتغال برنامه ریزی شده برای معلولین در نظر گرفته شده

است . قانون کار (۱۹۷۴) نیز حقوق معلولین را در اشتغال و استفاده از مزایای عادلانه ملحوظ داشته است .

توسعه تعاونیهای معلولین (۱۹۷۳) که ۷۰ درصد کارکنان آنرا معلولین تشکیل میدهند و ۳۰ درصد بقیه را کارکنان غیر معلول . مطابق آخرین گزارشات مربوط به این تعاونیها ، حدود ۲۰۰/۰۰۰ معلول در استخدام تعاونیهای معلولین لهستان میباشند .

در انگلستان نیز کارفرمایانی که بیش از ۲۰ کارگر را در استخدام دارند ، موظف شده اند که ۳ درصد پرسنل خود را از بین معلولین انتخاب کنند . مجمع ملی راهنمایی اشتغال معلولین نیز در جهت توسعه اشتغال آنان ، در این کشور فعالیت مینماید .

در فرانسه نیز از سالهای ۱۹۵۷ به بعد ، مسئله اشتغال معلولین در بازار آزاد کار مطرح شده است . در این کشور ، کارفرمایان بیش از ۸۰ درصد از کل هزینه ای که صرف آموزش ویژه معلولین میکنند از دولت دریافت میدارند .

طرح سهمیه اشتغال معلولین نیز در فرانسه مورد توجه میباشد و حمایتی نیز نسبت به تضمین دستمزد افراد معلول وجود دارد .

در اینجا بيمورد نخواهد بود که به انواع اقدامات قانونی که بطور کلی در کشورهای مختلف نسبت به توسعه اشتغال معلولین صورت میگیرد اشاره^ی

داشته باشیم . یکی از متداول ترین پیش بینی های قانونی ، طرح تعیین سهمیه است . که بعنوان يك اصل عمومی مورد توافق ، تعهدی را برای کارفرمایانی که بیشتر از تعداد معینی مستخدم دارند ایجاد میکند تا حداقل پیش بینی شده ای را نسبت به کارکنان خود از بی معلولین استخدام نمایند .

طرفداران احرای این طرح معتقدند که اعمال چنین طرحی ، موجب آشنائی کارفرمایان با اندیشه یکار کماری معلولین میشود و در ضمن گواهی از وجود يك سیاست دولتی در اشتغال معلولین است .

سایر پیش بینی های قانونی به منظور توسعه اشتغال معلولین دربرگیرنده طرحهای مربوط به مشاغل از قبل تعیین شده ، ذخیره پستهای خاص برای معلولین و تخصیص اولویت ها و ترجیح های برای گروههای خاصی از معلولین میباشد که هدف تمامی این اقدامات افزایش مشارکت آنان و ایجاد فرصتهای مساوی برای این گروه از افراد جامعه است .

وقتی از قوانین به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای تحقق برابری فرصتها و مشارکت کامل افراد معلول بحث میشود این برابری فرصتها از دسترسی به محیط فیزیکی که میبایست در دسترس همه افراد جامعه باشد آغاز میشود و تا آموزش و پرورش ، اشتغال ، اوقات فراغت ، فرهنگ ، مذهب و ورزش گسترش مییابد و اگر در این مورد ادعایی باشد لازم است که قوانین بسط

تمامی جوانب مسئله بپردازند. البته این امر بر عهده دولتهاست که در مورد اولویتهای هرکدام از زمینه‌ها تصمیم‌گیری نمایند. تنوییب قوانین برای تأمین بودجه لازم برای اقدامات مربوط به معلولین، یکی از جنبه‌های مهم حمایت‌های قانونی از افراد معلول است. توسعه و گسترش حرکت‌های علمی در انجام پژوهش‌های بنیادی و کاربردی درشنا نیازهای واقعی معلولین در جوامع شهری و روستائی که به آن‌ها تعلق دارند میتواند تبلور اعتقاد جدی به حمایت‌های قانونی از افراد معلول باشد.

چرا که به اعتقاد صاحب‌نظران قانون و آگاهی میبایست دست در دست هم پیش روند تا در تغییر نگرش و طرز تلقی جامعه نسبت به معلولین کار ساز گردند.

در این قسمت از بحث، عمده‌ترین مواردی را که بنظر میرسد در حمایت‌های قانونی از اشتغال معلولین در ایران لازم است مورد توجه قرار گیرد. بصورت پیشنهاد مطرح می‌نماید:

- تقویت سیستم‌های اشتغال‌زا برای معلولین از طریق ایجاد کارگاه‌های تولیدی حمایت شده و تعاونی‌های تولیدی معلولین مرکب از کارکنان معلول و غیر معلول و ایجاد زمینه‌های خود اشتغالی.
- تعمیم طرح سهمیه ۳ درصد به بخش خصوصی، البته لازم به توضیح است که

واجد شرایط بودن معلول برای احراز شغل به تشخیص کارشناسان توانبخشی حرفه ای حائز اهمیت بسیار است زیرا به هیچوجه جایگزینی ظاهری افراد معلول در مشاغل مختلف نباید هدف قرار گیرد بلکه در محدوده توانبخشی حرفه ای • مسئله اشتغال متناسب با فرد معلول مطرح است بطوریکه موجب توسعه معلولیت و یا ایجاد معلولیتها ی ثانویه برای او نشود •

– بکار گیری نظام معافیتهای مالیاتی برای کارفرمایانی که بیش از سهمیه ۳ درصد در استخدام معلولین همکاری مینمایند و دریا قست مبالغی از کارفرمایانی که کمتر از این نسبت پیش بینی شده ا استخدام میکنند •

– ایجاد صندوق حمایت از اشتغال معلولین و پیش بینی های قانونی به منظور تأمین مالی آن •

– تخفیف و یا حذف مالیات بر واردات مواد اولیه مورد نیاز کارگاههای تولیدی حمایت شده و تعاونیهای تولیدی معلولین و وسایل و ابزارهای کمکی مورد نیاز این گروه از افراد جامعه •

– حمایت از متناسب سازی مشاغل برای معلولین و تطابق بین ابزار و وسایل و محیط کار با رعایت اصول ارگونومی •

– برنامه ریزی به منظور اجرای طرح شناسائی معلولین •

— تاسیس مرکز اطلاع رسانی علمی در زمینه امور معلولین.

— حمایت‌های خاص از توسعه اشتغال معلولین در روستاها.

در این مجموعه ، پیش بینی مکانیسم های اجرائی موثر ، ضمانت‌های اجرائی قوی ، نظارت و ارزیابی مستمر به موازات تحقیقات دوره ای از - نتایج اقدامات انجام شده و تأثیر آن بر توسعه اشتغال معلولین ضرورت - دارد.

چنانچه تمامی این امور در قالب خط مشی ملی توانبخشی حرفه ای و با نظارت مجمع هماهنگ کننده ای از سازمانهای ذربیط در شورای عالی توانبخشی حرفه ای معلولین کشور تحقق پذیرد از کارآئی بیشتری برخوردار خواهد بود زیرا یکی از موارد قابل توجه ، رعایت هماهنگی اقدامات و حمایت‌های قانونی پیش بینی شده با اهداف برنامه های توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور است .

در پایان لازم میدانم از کارشناسان محترم توانبخشی حرفه ای سازمان بهزیستی و سایر سازمانهایی که در طول بررسی انجام شده در زمینه قانون و معلولین ، اینجانب را در دستیابی به اطلاعات مورد نیاز یاری دادند سپاسگزاری نمایم .

با این امید که بتوانیم گامی فراتر از سخن برداریم و در میدان عمل و اقدام

به باز نگری جدی در توسعه اشتغال معلولین به نگرشی مناسب در امر
توانبخشی حرفه ای معلولین کشور دست یابیم . چنانکه همچون
تکیه گاهی باشد بر استواری و استقامت معلولین در دستیابی به
مشارکت کامل و برابری و تساوی فرصتها با سایر افراد جامعه .
باسپاس فراوان از شکیبائی که در توجه به این بحث داشتید .